

Achmetha Castel: the beginning of archives in Iran

Gholamreza Azizi¹ | Emadedin Fayazi² | Ali Akbar Khedrizeh³

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

Abstract:

Purpose: This paper discusses the starting date of the archives (i.e. preserving valuable records) in Iran. In addition, it reviews previous research to show evidence of preserving documents in ancient Iran from the citation, historical, documentary, and historical linguistics points of view, not been covered in previous studies.

Method and Research Design: Library resources were consulted to collect data. Persian sources are compiled, categorized and critically examined.

Finding and Conclusions: Most of the Persian literature reviewed consider the Achaemenids as the beginning of formation of archives in Iran, by relying of the book of Ezra and accepting the views of Jahangir Ghaemmaghami.

Keywords: Ancient Iran; records keeping; history; the book of Ezra; archives.

Citation: Azizi, G., Fayazi, E., Khedrizeh, A. (2020). Achmetha Castel: the beginning of archives in Iran. *Ganjine-ye Asnad*, 30(3), 162-189. doi: 10.22034/ganj.2020.2581

1. PhD student, Department of History, Yadegar -e- Imam Khomeini (RAH) Shahr-e-Rey Branch, Islamic Azad University, Tehran, I. R. Iran

greazizi@gmail.com

2. Assistant professor, Department of History, Yadegar -e- Imam Khomeini (RAH) Shahr-e-Rey Branch, Islamic Azad University, Tehran, I. R. Iran (Corresponding Author)

dr.emadfayazi@gmail.com

3. Assistant professor, Department of History, Yadegar -e- Imam Khomeini (RAH) Shahr-e-Rey Branch, Islamic Azad University, Tehran, I. R. Iran

khedrizeh@yahoo.com

Copyright © 2020, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran).

This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«119»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI): 10.22034/GANJ.2020.2581

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 30, No. 3, Autumn 2020 | pp: 162- 189 (28) | Received: 9, May, 2020 | Accepted: 19, June, 2020

Archival studies



قصر احمتا؛ آغاز آرشیو در ایران

غلامرضا عزیزی^۱ | عمادالدین فیاضی^۲ | علی اکبر خدری زاده



فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیوی

مقاله پژوهشی

چکیده:

هدف: رفع اشتباه مکرر در گزارش دوره آغازین آرشیو^۱ در ایران و بازشناسی واقعیت تاریخی آن است. در مقاله حاضر تاریخ شروع آرشیو در ایران بررسی شده است و ضمن شناسایی و بررسی پژوهش‌های پیشین، از جنبه‌های اسنادی و استنادی و تاریخی و زبان‌شناسی تاریخی به مواردی از نگهداری اسناد در ایران باستان پرداخته شده است که پیش‌ازین، در تجزیه و تحلیل تاریخ آرشیو در ایران بررسی و ذکر نشده‌اند.

روش/ رویکرد پژوهش: روش پژوهش، روش کتاب‌خانه‌ای مبتنی بر شناخت، توصیف و تحلیل اسناد و سایر داده‌های تاریخی است. در این مقاله منابع اصلی مرتبط با موضوع، شناسایی شده است. تاریخ پیدایش آرشیو در ایران از نظر این منابع گردآوری، و دسته‌بندی شده و منابع فارسی با نگاه بررسی انتقادی بررسی شده است. در این راه، بررسی کیفی پژوهش‌ها در موضوع مدنظر و گستره شمول آن‌ها هم مدنظر است.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بیشتر مقاله‌ها، کتاب‌ها و پایان‌نامه‌های فارسی بررسی شده در این مقاله، بحث تاریخ آرشیو در ایران را با تبعیت از دکتر جهانگیر قائم‌مقامی و با اشاره به کتاب عزرا به دوره هخامنشی بازگردانده‌اند؛ بدون آنکه برای نقد و بررسی، یا تکمیل این نظر تلاشی بکنند.

کلیدواژه‌ها: ایران باستان؛ نگهداری اسناد؛ تاریخ؛ کتاب عزرا؛ آرشیو.

استناد: عزیزی، غلامرضا، فیاضی، عمادالدین، خدری‌زاده، علی اکبر. (۱۳۹۹). قصر احمتا؛ آغاز آرشیو در ایران. *گنجینه اسناد*، ۳ (۳)، ۱۶۲-۱۸۹ | ۱۰.۲۲۰۳۴/ganj. ۲۰۲۰، ۲۵۸۱ | doi: ۱۰.۲۲۰۳۴/ganj. ۲۰۲۰، ۲۵۸۱ | ۱۸۹-۱۶۲، (۳) ۰۳

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
greazizi@gmail.com
۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)
dr.emadfiayazi@gmail.com
۳. استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، تهران، ایران
khedrizeh@yahoo.com
۴. در اینجا منظور نگهداری اسناد ارزشمند است.



گنجینه اسناد

«۱۱۹»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۲۸-۲۲۶۸

شناسانه برمود رقمی (DOI): ۱۰.۲۲۰۳۴/GANJ.۲۰۲۰، ۲۵۸۱

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۰، دفتر ۳، پاییز ۱۳۹۹ | صص: ۱۶۲-۱۸۹ (۲۸)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۲۰ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۳۰

مطالعات آرشیوی

۱. مقدمه

نخستین بار دکتر جهانگیر قائم مقامی تاریخ آرشیو در ایران را به شیوه‌ای منظم در کتاب ارزشمند مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی مطرح کرده است. پس از او نیز مقاله‌ها، کتاب‌ها و پایان‌نامه‌هایی، به شیوه‌ای مستقیم یا غیرمستقیم (موجز یا کمی مفصل) سابقه آرشیو در ایران را بررسی کرده‌اند. هرچند برخی از این آثار، اطلاعات تاریخی بیشتری از مطالب قائم مقامی درباره پیشینه آرشیو در ایران در بر داشته‌اند و مطالبی روزآمدتر داشته‌اند، ولی تقریباً بیشتر آن‌ها با استناد به کتاب قائم مقامی و بدون مراجعه به منابع اصلی و اولیه، سابقه وجود آرشیو در ایران را -به نقل از کتاب عزرا که قائم مقامی به آن ارجاع داده است- به دوره هخامنشی بازگردانده‌اند.

۲. هدف و پرسش‌های پژوهش

هدف اصلی این مقاله شناخت دوره آغازین آرشیو در ایران و رفع لغزش‌های پیشین در گزارش تاریخی آن است. از منظری دیگر این مقاله می‌کوشد تا عمده نظرات کسانی را که درباره قدمت حفظ و نگهداری اسناد در ایران (در معنی و به‌عنوان نوعی آرشیو اولیه) سخن گفته‌اند، نقل کند و بسنجد. براین اساس پرسش‌های اصلی پژوهش به شرح زیر است:

۱. بر اساس کتاب عزرا نخستین اشاره‌ها به نگهداری اسناد در ایران، به چه زمانی

بازمی‌گردد؟

۲. محققان معاصر در شناخت این تاریخ چگونه کوشیده‌اند؟

۳. آیا برداشت قائم مقامی از مطلب منقول از تورات، کامل، درست و دقیق است؟

۳. پیشینه تحقیق

قائم مقامی (۱۳۵۰، ص ۲۸) به‌عنوان نخستین مطرح‌کننده و پی‌جوی «موضوع تاریخ آرشیو در ایران» نوشته است:

در دوره هخامنشی، زیربنای تشکیلات اداری امپراتوری را، بایگانی سلطنتی تشکیل می‌داد. در کتاب تورات، در باب پنجم و ششم از کتاب عزرا، ضمن اشاره به وجود خزانه اسناد و مدارک، عرض حالی از یهودیان به داریوش آمده و نوشته شده است: «پس اگر پادشاه مصلحت دانند، در خزانه پادشاه که در بابل است تفحص کنند که آیا چنین است یا نه که فرمانی از کورش پادشاه صادر شده بود...»

و نیز در همان کتاب: «آنگاه داریوش پادشاه فرمان داد تا در کتاب‌خانه بابل که خزانه‌ها

۱. از این جمله، می‌توان این موارد زیر را برشمرد: صوفی، ۱۳۶۶؛ سازمان امور اداری و استخدامی، ۱۳۶۳؛ سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۴، ص ۱۰؛ دیانی، ۱۳۷۷، صص ۳۷-۳۳؛ فدائی عراقی، ۱۳۷۷، صص ۶۲-۶۴؛ دهقانی، ۱۳۷۹؛ بقائی، ۱۳۸۱، صص ۲۸-۳۵؛ سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳، صص ۱۴-۱۵ و ۱۶-۱۷؛ کیانی هفت‌لنگ، ۱۳۸۳؛ رحمانی، ۱۳۸۴، ص ۵۳؛ نازکی، ۱۳۸۴، ص ۱۴؛ صادقیان، ۱۳۸۴، صص ۹۵-۹۶؛ کیانی هفت‌لنگ، ۱۳۸۵، صص ۹۹-۹۹ و ۱۳۹۳؛ وهابی، ۱۳۹۳، صص ۲۶۹-۲۹۰؛ فتح‌اللزاده، ۱۳۹۳، صص ۱۵۰-۱۵۱؛ ترکاشوند، ۱۳۹۴، صص ۱۱۵-۱۱۷.

۲. نه به معنای امروزیین واژه، بلکه در معنی محل نگهداری اسناد حکومتی.



در آن موضوع بود تفحص کردند و در قصر احمتا که در ولایت مادیان است طوماری یافت شد و تذکره در آن بدین مضمون مکتوب بود.»

قائم‌مقامی در ادامه به باب پنجم و ششم و چهارم کتاب عزرا ارجاع داده و اشاره کرده است که به کتاب استر باب ۲ و ۶ و ۱۰ [نیز] رجوع شود. صوفی (۱۳۶۶، ص ۲۹) در پایان‌نامه خود، به نقل از قائم‌مقامی، از وجود آرشیو در دوره هخامنشی یاد کرده و در این راه از متون باستانی و شواهد باستان‌شناسی یاری جسته است؛ ولی فقط به نام‌بردن از تورات اکتفا کرده و به مطالب کتاب عزرا اشاره نکرده است.

دیانی (۱۳۷۷، ص ۳۳) نیز نوشته است: «قاعده کلی نگهداری اسناد و مدارک، از دیرزمان در ایران رایج بوده است. قدیمی‌ترین نوشته در این باره کتاب تورات است». هرچند دیانی در یادداشت اول به «تورات، ترجمه فارسی، کتاب عزرا و استر، باب پنجم» و در یادداشت دوم به «همان، باب ششم» ارجاع داده است (۱۳۷۷، ص ۳۷)، ولی ناقص بودن ارجاعات، و ادامه مطلبی که برای تاریخ نگاشته است، این پرسش را به ذهن می‌آورد که آیا او برای نگارش این مطلب، کتاب *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی* را ندیده است؟ فدایی عراقی (۱۳۷۷، صص ۶۲-۶۳) نیز در اثر خویش *بانام مقدمه‌ای بر شناخت اسناد آرشیوی* (که برداشتی از عنوان کتاب *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی* است) همان مطلب منقول از تورات را با ارجاع به قائم‌مقامی آورده است.

صمعی (۱۳۸۱، ص ۲۰) در مدخل «آرشیو» در *دائرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی*، همین مطلب را از کتاب تورات، باب پنجم و ششم کتاب عزرا به نقل از دیانی (۱۳۷۷، ص ۳۳) و فدایی عراقی (۱۳۷۷، ص ۶۲) آورده است.

کیانی هفت‌لنگ (۱۳۸۵، ص ۹۹۰)، نیز در مدخل «سازمان اسناد ملی ایران» در *دائرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی* همان مطلب را به نقل از قائم‌مقامی آورده است.

صادق‌پور بالانی (۱۳۸۵، صص ۶-۷) نیز نوشته است: «رسم نگهداری اسناد و مدارک در ایران از دیرباز معمول بوده است» [است] و قدیمی‌ترین نوشته در این باره کتاب تورات است. در کتاب تورات عرض حال یهودیان به داریوش نوشته شده است و این عرض حال‌ها در کتاب‌خانه بابل و قصر احمتا (واقع در ماد) نگهداری می‌شد. گرچه صادق‌پور بالانی در یادداشت شماره ۴ مقاله خود، مستقیم به «کتاب عزرا، باب پنجم» ارجاع داده است، ولی به نظر نمی‌رسد آن کتاب را دیده باشد؛ چراکه در بین ۵ اثر ذکر شده در فهرست منابع، نشانی از تورات دیده نمی‌شود و مطلب ذکر شده نیز غلط و درهم‌ریخته است؛ زیرا نخست این‌که تورات از یافتن «دستور» کورش (نوشته شده بر طومار) سخن گفته است نه آن‌گونه که صادق‌پور بالانی نوشته است: «عرض حال‌ها» که «در کتاب‌خانه بابل و قصر احمتا ...

۱. قائم‌مقامی (۱۳۵۰، ص ۲۲۹) در فهرست منابع خود نشانی دقیق منبع خود را ذکر نکرده و تنها به «تورات، ترجمه فارسی، کتاب‌های عزرا و استر» اکتفا کرده است.



نگهداری می شد» و دوم این که، آیه یا گزاره اصلی شامل «قصر احمنا»، در باب ششم کتاب عزرا آمده است و نه باب پنجم. چون کتاب های قائم مقامی (۱۳۵۰) و فدایی عراقی (۱۳۷۷) جزء منابع پنج گانه صادق پور بالانی هستند، به نظر می رسد که صادق پور بالانی (۱۳۸۵) نیز مستقیم یا غیرمستقیم از کتاب مقدمه ای بر شناخت اسناد تاریخی استفاده کرده است. عزیزی (۱۳۸۶، ص ۱۰۶)، نیز به همان مطلب و همان منبع اشاره کرده؛ ولی کوشیده است تا از آن نقل قول استفاده دیگری بکند و آن را به عنوان شاهی برای نگهداری از اسناد در دوران ماد فرض کند.

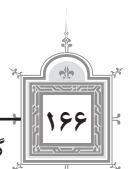
سودبخش و مروتی (۱۳۸۸، ص ۶۰) نیز به قائم مقامی استناد و از مطلب او استفاده کرده اند.

وهابی (۱۳۹۳، ص ۲۸۶) در مقاله خود و ترکشوند (۱۳۹۴، ص ۱۱۵) در پایان نامه خود از دیگر کسانی هستند که با استناد به دیانی (۱۳۷۷، ص ۳۴) به این مطلب از کتاب عزرا اشاره کرده اند.

برخی نویسندگان (برای نمونه: دالوند، ۱۳۸۷، ص ۲۶؛ زارعی، ۱۳۹۶، ص ۲۲) نیز در آثار خود، بدون ارجاع به تورات، به نتیجه گیری قائم مقامی - یا نویسندگان ارجاع دهنده به او - از مطلب منقول از کتاب عزرا اشاره کرده اند و به طور کلی و غیرمستند نوشته اند: «اسناد پادشاهی و دولتی هخامنشیان در کتاب خانه بابل و خزانه قصر احمنا (همدان فعلی) واقع در ایالت ماد و احتمالاً در جاهای دیگر نیز نگهداری می شده است.»

همچنان که مشاهده شد، اغلب اشخاصی که به نخستین شواهد از تاریخ بایگانی و آرشیو در ایران اشاره کرده اند، مطلب خود را مستقیم یا غیرمستقیم از کتاب مقدمه ای بر شناخت اسناد تاریخی اخذ کرده اند. متأسفانه این موضوع نه تنها در مقالات و کتاب ها، بلکه در پایان نامه ها نیز دیده شده است که نویسندگان آن ها برای تعیین صحت و سقم مطلب نقل شده به حداقل تلاش لازم برای تحقیق علمی و جست و جوی بیشتر دست نزده اند. نکته دیگر آن که، متأسفانه قائم مقامی هم نسخه مورد استفاده خود (کتاب عزرا یا بخشی از تورات، به زبان فارسی یا غیر آن) را مشخص نکرده است. این موضوع از آن رو اهمیت دارد که در چند ترجمه فارسی تورات که در مقاله حاضر استفاده شده است، تفاوت هایی ظریف با نسخه استفاده شده در کتاب مقدمه ای بر شناخت اسناد تاریخی (و استفاده کنندگان از آن کتاب) دیده می شود.

از سوی دیگر و شاید مهم تر از دو نکته قبلی اینکه بیشتر نویسندگان یاد شده، به نقل این نکته اکتفا کرده اند که سابقه وجود آرشیو در ایران به دوره هخامنشی بازمی گردد و برای اثبات یا رد این نظر تلاشی انجام نداده اند و مطلبی به آن نیفزوده اند.



البته هستند کسانی که در اثر خویش، در ارجاع این مطلب، مستقیماً به کتاب عزرا اشاره کرده‌اند. برای مثال ملایری (۱۳۷۹، ج ۵، ص ۲۱۲) ضمن اشاره به «ثبت فرمان‌ها و نگهداری خلاصه یا نسخه‌ای از آن‌ها» در دیوان‌های ایران از دوران هخامنشی، نوشته‌است: «در تورات به نامه‌ای اشاره شده که رؤسای یهود به داریوش نوشته و درخواست کرده‌اند تا در کتاب‌خانه سلطنتی جست‌وجو شود و فرمانی را که کوروش بزرگ درباره بنای بیت‌المقدس صادر کرده بیابند و به‌دستور داریوش جست‌وجو شده و چنین فرمانی را یافته‌اند.» او به تورات (سفر عزرا، اصحاح ۵، بند ۱۷ و اصحاح ۶، بند ۱ و ۲)، ارجاع داده‌است. عزیزی (۱۳۸۶، ص ۱۰۶) نیز با استناد به قائم‌مقامی به همان مطلب اشاره کرده و نوشته‌است: «معمولاً سابقه وجود آرشیو در ایران، به دوره هخامنشی بازمی‌گردد: ... ولی عزیزی آن مطلب را بهانه‌ای برای طرح بحث سابقه بایگانی و آرشیو سلطنتی در دوران ماد قرار داده‌است. از این‌رو لازم به نظر می‌رسد که نقل قول قائم‌مقامی از کتاب عزرا، از جنبه‌های اسنادی و استنادی و تاریخی و زبان‌شناسی تاریخی بررسی شود. برای بررسی بهتر و بازکردن موضوع، شایسته است تا نخست مقدمه‌ای کوتاه درباره عزرا و کتابش بیان شود.

۴. عزرا

عزرا یکی از پیامبران بنی‌اسرائیل است. اعتقاد سنتی بر این است که او کتاب‌های تواریخ و عزرا و قسمتی از نحمیا را نوشته و در واقع تورات را -بعد از آنکه در حمله بخت‌النصر پادشاه بابل به کالی از بین رفته بود- دوباره احیا کرده‌است. در قاموس کتاب مقدس (هاکس، ۱۳۹۴، صص ۶۰۹-۶۱۰)، ذیل مدخل عزرا، درباره او چنین آمده‌است:

(لفظ عزرا به معنی کمک و امداد است). او کاهن و هادی معروف عبرانیان و کاتب ماهر شریعت و شخصی عالم و قادر و امین بود و چنان می‌نماید که در بارگاه سلطان ایران درجه و اعتباری تام داشته... به سرکردگی و پیشوائی جماعتی بزرگ از اسیران مراجعه‌کننده به اورشلیم در سال ۴۵۷ قبل از میلاد مسیح روان گشت (عز: ۷) و در اینجا بسیاری از رفتار قوم و نیز پرستش جماعتی از ایشان را اصلاح نموده، کنایسی چند تأسیس نمود که علی‌الدوام تلاوت نوشته‌جات مقدمه و دعا در آنجا مستدام باشد (عز: ۸؛ ۱۰؛ نج: ۸) و عموماً معتقدند که بعد از این وقایع، کتب تواریخ و عزرا و قسمتی از نحمیا را تصنیف نمود و تمامی کتب عهد عتیق را -که حال قانون ما می‌باشد- جمع‌آوری و تصحیح فرمود و در این عمل از نحمیا، بلکه هم از ملاکی امداد یافت.

۱. عزیزی (۱۳۸۰، صص ۶۰۷-۶۰۸) به بیان سرگذشت عزیر پرداخته‌است.



مسلمانان او را عُزیر می خوانند.^۱ عُزیر در لغت عرب، از واژه عزرا گرفته شده که به صیغه تصغیر درآمده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۳۶۱).
در قرآن، علاوه بر آیه ۳۰ سوره توبه که نام عُزیر در آن ذکر شده است، داستانی هم در آیه ۲۵۹ سوره بقره درباره مرگ شخصی و زنده شدن او بعد از صد سال آمده است که طبق روایات متعدّد، این شخص همان عُزیر پیامبر بوده است (عزیزی، ۱۳۸۰، صص ۶۰۷-۶۰۸).

۵. کتاب عزرا

کتاب عزرا پانزدهمین سفر از اسفار کتاب مقدس و به زبان عبری است و براساس تقسیم بندی مسیحیان، در زمره عهد عتیق محسوب می شود. این کتاب که نوشته عزرای نبی است، به بیان سرگذشت بازگشت جمعی از یهودیان تبعیدی از ایران به اورشلیم و تجدید بنای معبد مقدس (بیت المقدس)،^۱ ظاهراً در حفاصل دوران کوروش دوم، داریوش اول و اردشیر اول می پردازد. هرچند برخی از حضور داریوش دوم و اردشیر دوم در متن کتاب عزرا سخن به میان آورده اند، ولی مشکلات گاه شمارانه چندی وجود دارد که مانع از پذیرش این نظر شده است (بادامچی و فروتن، ۱۳۹۴، ص ۵). به هرروی در این کتاب به چهار شاه هخامنشی اشاره شده است: کوروش (عزرا، ۱: ۲-۱ و ۱: ۷-۸ و ۳: ۷ و ۴: ۳ و ۴: ۵ و ۵: ۱۳-۱۴ و ۵: ۱۷ و ۶: ۳ و ۶: ۱۴)، داریوش یکم (عزرا، ۴: ۵ و ۴: ۲۴ و ۵: ۷-۵ و ۶: ۱ و ۶: ۱۵-۱۲)، خشایارشا (با تلفظ «اَحْشَوْرُش»، عزرا، ۴: ۶) و اردشیر یکم (عزرا، ۴: ۷-۸).

مطالب کتاب عزرا را می توان به دو بخش کلی تقسیم کرد (هیل و تورسون، ۲۰۰۷، ص ۹۵۹): بخش اول حکایت بازگشت تبعیدیان (۱: ۱ تا ۲: ۷۰) و بازسازی معبد (۳: ۱ تا ۶: ۲۲) و بخش دوم داستان آمدن عزرا به اورشلیم (۷: ۱ تا ۸: ۳۶) و حل مشکل ازدواج با سایر اقوام توسط او (۹: ۱ تا ۱۰: ۴۴) است.

قسمت ۱: ۱ تا ۴: ۷ و ۶: ۱۹-۲۲ از کتاب عزرا به زبان عبری، و قسمت ۴: ۸ تا ۶: ۱۸ آن به زبان آرامی نوشته شده است. یکی از دلایل اهمیت کتاب عزرا، وجود فرمان های (مناقشه برانگیز) پادشاهان هخامنشی به دو زبان عبری و آرامی در آن است (برای آگاهی بیشتر بنگرید به: بادامچی و فروتن، ۱۳۹۴، صص ۱-۱۸؛ Grabbe, 2006, PP 531-570).

کتاب عزرا به دلیل اهمیتش در تاریخ و شریعت یهود بارها و بارها منتشر شده و آثاری فراوان درباره آن به نگارش درآمده است که به برخی از آن ها در این مقاله اشاره شده است. درباره این نکته که کتاب عزرا از چه زمانی در اختیار پارسی زبانان قرار گرفته است

۱. در زمینه بازسازی معبد بنگرید به (بادامچی؛ نوروزی، ۱۳۹۱، صص ۱۳-۳۲).



نمی‌توان به‌طور دقیق سخن گفت. گرچه آگاهی‌های تاریخی از حضور پیروان دین یهود در ایران از پیش از دوران هخامنشیان نشان دارد، ولی نسخه‌های موجود پارسی‌کرده تورات، پیشینه‌ای بسیار جدیدتر را نشان می‌دهند.

قدیمی‌ترین نسخه فارسی کتاب مقدس یهود مشتمل بر قطعاتی از شش نسخه خطی متفاوت از این کتاب است که در گینزه^۱ قاهره کشف شده و عمدتاً مربوط به دوران قبل از مغول است (غلامی جلیسه، ۲۰۱۲، ص ۶۷).

نوروزی (۱۳۹۱، ص ۱۰۵) نسخه اسفار خمسه لندن، معروف به PL را که حدود ۷۰۰ سال پیش (در ۱۵ مارس ۱۳۱۹م/۴ محرم ۷۱۹ق) کتابت شده‌است و در موزه انگلیس نگهداری می‌شود، قدیمی‌ترین نسخه تاریخ‌دار اسفار خمسه به فارسی-عبری معرفی کرده‌است.

از ابتدای قرن شانزدهم میلادی تلاش برای چاپ عهد عتیق به زبان فارسی انجام شد. نخستین متن فارسی چاپ‌شده در جهان، کتاب مقدس تورات است که به چهار زبان و به‌خط عبری در سال ۹۵۳ق/۱۵۴۶م در استانبول چاپ شده‌است. ویلیام بروان^۲ و ساموئل باگستر^۳ هم این نسخه را قدیمی‌ترین نسخه چاپی تورات به فارسی معرفی کرده‌اند. این نسخه از ترجمه اسفار خمسه، به زبان فارسی و با حروف عبری نگاشته شده و به «تترا غلوت» معروف است (غلامی جلیسه، ۲۰۱۲، ص ۷۰).

قدیمی‌ترین ترجمه منتشرشده از کتاب عزرا به زبان فارسی که طی این پژوهش دیده شد، در ترجمه‌ای از عهد عتیق آمده که در سال ۱۸۳۸م/۲۵۳ق منتشر شده‌است. حدود دو دهه بعد، در سال ۱۸۵۶م/۲۷۲ق ترجمه‌ای از عهد عتیق، در لندن و به‌صورت چاپ سریبی منتشر شده‌است.

در سال ۱۹۰۴م ترجمه‌ای از کتاب مقدس به زبان فارسی منتشر و در سال ۱۹۲۵ تجدید چاپ شد (که در این مقاله با عنوان ترجمه قدیمی از آن یاد و به آن استناد خواهد شد).^۴

پس از اشاره به ترجمه فارسی کتاب عزرا، شایسته است تا به سیر تاریخی راه‌یابی مطالب آن کتاب به آثار نویسندگان فارسی‌زبان نیز اشاره شود. چاپ اول کتاب *تاریخ ایران باستان* پیرنیا ظاهراً نخستین کتابی است که به کتاب عزرا استناد کرده‌است. پیرنیا (۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۰۱ و ج ۲، ص ۹۴۹) در اثر خویش به کتاب عزرا و وجود خزانه و کتاب‌خانه در بابل و در ماد اشاره کرده؛ هرچند به‌دنبال بیان سابقه کتاب‌خانه و بایگانی و آرشیدو نبوده‌است.

پس از او نیز اشارات و ارجاعات به کتاب عزرا و موضوع یافت‌شدن طومار در قصر

۱. Ginze

۲. British museum

۳. William Brown

۴. Samuel Bagster

۵. این ترجمه را انتشارات اساطیر در سال ۱۳۸۰ با این مشخصات بازچاپ کرده‌است: کتاب مقدس. (۱۳۸۰). کتاب مقدس، عهد عتیق و عهد جدید. (فاضل‌خان همدانی، ویلیام گلن، هنری مرتن، مترجمان). تهران: اساطیر. ۲ جلد در یک مجلد.

۶. شایان ذکر است که ایرانیان یهودی ترجمه معروف به فاضل‌خانی را ترجمه‌ای ناقص، دارای مشکل لغوی و بدون تطبیق کامل با اصل عبری تلقی می‌کنند (به‌نقل از پروفیسور کهن).



احمتا، در منابع فارسی زبان دیده می‌شود. برای نمونه لوی (۱۳۳۴، ج ۱، ص ۲۵۳) نیز به همان مطلب اشاره کرده‌است. به دیگر ارجاعات نسبتاً اندک به کتاب عزرا در قسمت پیشینه این پژوهش اشاره شد. ولی در خارج از گستره زبان فارسی مطالعات بیشتری درباره ایرانیان در تورات و به‌ویژه در کتاب عزرا، انجام شده‌است. برای نمونه: (Fensham, 1982; Graham, 1998; Lipschits and Oeming, eds. 2006; Throntveit, 1992; van Wijk-Bos, 1998; Watts, 2001).

از نگاه این مقاله، اهمیت کتاب عزرا به دلیل اشاره‌هایی است که در آن به وجود اسناد در ایران باستان و حفظ و نگهداری آن‌ها شده‌است - البته نه به مفهوم و ساختار امروزی بایگانی و آرشیو یا مرکز اسناد، بلکه معادل مفهوم امروزی محل نگهداری اسناد ارزشمند- و مشخصاً از محلی به‌نام قصر احمتا - که بر مخزن آرشیوی یا اسنادی دلالت دارد- نام برده شده‌است.

۶. قصر احمتا: بایگانی، کتاب‌خانه، خزانه یا آرشیو؟

یکی از نکات مهم مطرح شده در کتاب عزرا، اشاره این کتاب به آرشیو و منابع آرشیوی در ایران باستان - در مفهوم محل نگهداری اسناد ارزشمند- است. براساس این متن، محققان معاصر تقریباً یک‌سخن بر این عقیده‌اند که از داریوش شاه درخواست شده بود تا دستور دهد «آرشیو» را برای جست‌وجوی فرمان کوروش بکاوند. داریوش نیز به ساتراپ تاتانای فرمان داد تا آرشیو بابل را به‌دنبال این فرمان جست‌وجو کند. این سند در اکباتان یافت شد؛ شهری که اقامتگاه تابستانی پادشاهان هخامنشی^۴ بود (Grabbe, 1998, P21) یا همچنان که پیش‌از این گفته شد: «... در قصر احمتا که در ولایت مادیان است...».

اما مقصود از «قصر احمتا در ولایت مادیان» کجاست؟ این عبارت در قدیمی‌ترین ترجمه فارسی از کتاب عزرا (صص ۸۹۲-۸۹۳؛ بند ۲ فصل شش)، به صورت «احمتا» در بارگاه کشور مادیان» ثبت شده‌است.

در قاموس کتاب مقدس (هاکس، ۱۳۹۴، ص ۲۰، ذیل احمتا)، این واژه به صورت اکماتا (به‌جای احمتا و با تلفظ انگلیسی)^۵ ثبت شده و درباره آن آمده‌است:

شهری در ایالت مدی. وقتی که یهودیان گفتند که سیروس [کوروش] فرمانی بر مضمون آنکه آن‌ها را اجازت برای بنای هیکل داده بود، دشمنانشان برای تحقیق به بابل فرستاده شدند تا در صحت مسئله تحقیقات به‌عمل آرند. داریوش فرمان داد تحقیقات کنند. اداره ضبط مراسلات که خزینه هم در آنجا بود اولین جایی بود که در تحت تفتیش درآمد؛ ولی عبث و بی‌فایده بود. دنباله تحقیقات و کاوش‌ها کشیده شد تا آنکه فرمان را در

۱. تعداد این آثار نسبتاً زیاد است و در اینجا فقط به تعداد اندکی که استفاده شده‌اند اشاره شده‌است.

2. Pedersen, 1998

3. Tattenai

۴. گراب (Grabbe, ۱۹۹۸, P۲۱) در زینویس این قسمت از کتابش پیشنهاد داده‌است تا به (Xenophon, Anabasis ۳,۵,۱۵; Cyropaedia ۸,۶,۲۲) رجوع شود.

۵. البته در اصل عبری کتاب این واژه به صورت احمتا ثبت شده‌است.

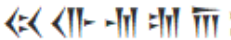
۶. با تشکر از پروفسور کهن برای بیان این نکته



اکماتا شهری که در ایالت مادی بود در قصر یافتند (عزرا، باب ۵: ۶ الی ۶: ۲). شکی نیست که ایرانی و پایتخت مادی و خزینه نقود اکماتا همان اکباتان محل بیلاقی پادشاهان دولتی بود. این شهر همدان حالیه است.

بنابراین اکماتا (صورت به اشتباه ثبت شده در قاموس کتاب مقدس، به جای احمنا)، همان «أَحْمِثَا»ی نوشته شده در ترجمه قدیمی فارسی تورات است که آن هم به غلط به جای «احمنا» (صورت به کاررفته در اصل عبری کتاب عزرا) ثبت شده است.

ولی «أَحْمِثَا» چیست و چگونه به ترجمه فارسی راه یافته است؟
باتوجه به برخی ترجمه های عربی تورات^۱، این چنین به نظر می رسد که واژه أَحْمِثَا، صورت عربی شده احتماست که در برخی ترجمه ها به این شکل نیز به کار رفته است. در قاموس الكتاب المقدس نیز، ذیل مدخل أَحْمِثَا/أَحْمِثَا نوشته شده است که این اسم صورت آرامی هگمتانه است که در ترجمه عربی کتاب مقدس، دو جا به صورت احمنا آمده است (قاموس الكتاب المقدس، دائرة المعارف الكتابية المسيحية)^۲.

واژه معادل «احمنا»، در فارسی باستان به صورت:  و معادل واژه فارسی باستان -Ha^mgmatāna- به کار رفته است که بعدها به هگمتانه و همدان تبدیل شده است. معادل واژه فارسی باستان -Ha^mgmatāna، در آرامی به صورت אַחְמַתָּא^۳ در ایلامی باستان به صورت ag-ma-da-na، در اکدی به صورت a-ga-ma-ta-nu، و در یونانی (در اثر هرودوت) به صورت Ἀγβάτανα و در نوشته های آریستوفان و آیسخولوس (یا اشیل) به صورت Ἐκβάτανα (اکباتان) به کار رفته است (Kent, 1950, p212).

۱. برای نمونه تفسیر سفر عزرا: الأصحاح السادس:

<https://www.coptstoday.com/Archive/Detail.php?id=544>

۲. قاموس الكتاب المقدس؛ دائرة المعارف الكتابية المسيحية: شرح كلمة أَحْمِثَا احمنا: اسم آرامی من الاسم الفارسی القديم «هگمتانا» Ecbatana و هی عاصمة میدیا Media و قد وجد بها درج مکتوب فیه أمر کورش ببناء الهيكل فی اورشليم (عزرا ۶: ۴)؛ و اسمها باليونانية أکبتانا و ... احمنا Achmetha کاپت عاصمة أستیاچس Astyages، والتي أخذت عن طريق الأمبراطور الفارسی سیروس الأعظم Cyrus ... وقد ذكرت احمنا فی الكتاب المقدس فی (سفر عزرا ۶: ۴) باسم «أَحْمِثَا»:

https://st-takla.org/Full-Free-Coptic-Books/FreeCopticBooks-002-Holy-Arabic-Bible-Dictionary/01_A/A_109.html

۳. در عبری هم به همین صورت אַחְמַתָּא بالتلفظ ahmetha است (به نقل از پروفیسور کهن).

۷. کاوش در بابل، یابش در ماد

پس از بحث درباره معنی احمنا، باز می گردیم به بررسی محتوای مطلب «پس اگر پادشاه مصلحت داند، در خزانه پادشاه که در بابل است تفحص کنند... آنگاه داریوش پادشاه فرمان داد تا در کتابخانه بابل که خزانه ها در آن موضوع بود تفحص کردند و در قصر احمنا که در ولایت مادیان است طوماری یافت شد و...» (کتاب عزرا به نقل از قائم مقامی، ۱۳۵۰، ص ۲۸).

از این مطلب چنین برداشت می شود که خزانه پادشاه که در کتابخانه بابل قرار داشته جست و جو شده است؛ ولی مشخص نیست چرا طومار در قصری در ولایت ماد پیدا شده است؟ جالب است که هیچ یک از منابعی که در بخش آغازین این مقاله از آنها یاد شد و از کتاب قائم مقامی استفاده کرده اند -از جمله خودش- به این نکته اشاره نکرده اند و از کنار آن گذشته اند. ولی قبل از همه آنها لوی (۱۳۳۴، ج ۱، ص ۲۵۳) در نقل ترجمه



این قسمت از کتاب عزرا، قدری متفاوت عمل کرده است. او در ترجمه حرف ربط بین بندهای ۱ و ۲ فصل ششم، به جای «واو عطف»، از حرف ربط هم‌پایه‌ساز «ولی» استفاده کرده و در واقع، ظاهراً چنین برداشت کرده است که در این بند نوعی تناقض معنایی وجود دارد و به نوعی آن را اصلاح کرده است:

آنگاه داریوش پادشاه فرمان داد تا در کتاب‌خانه بابل که خزانه‌ها در آنجا بود تفحص کردند؛ ولی در قصر احمتا (همدان) که در ولایت ماد است، طوماری یافت شد و تذکره‌ای که در آن بدین مضمون مکتوب بود...

گرچه این تغییر، مسئله را حل می‌کند، ولی این گفته با اصل متن برابر نیست و الحاقیه‌ای مبتنی بر تفسیری جدید تلقی می‌شود.

در مقابل، برخی محققان (به نقل از: Fensham, 1982, p128) بر این نظرند که در اینجا بابل اصطلاحی گسترده‌تر از نام یک شهر است؛ یعنی متن به نام استان و نه به نام شهر اشاره می‌کند.

از طرف دیگر، بر اساس نوشته‌های گزنفون به نقل از: (Grabbe, 1998, P21) کوروش، زمستان را در بابل به سر می‌برد، بهار را در شوش و تابستان را در اکباتان؛ بنابراین ممکن است جست‌وجو بر اساس دستور داریوش از شهر بابل آغاز شده باشد، ولی سرانجام این فرمان در اکباتان کشف شده باشد.

به ادامه متن و موضوع کتاب‌خانه بابل بازگردیم. برای بررسی دقیق‌تر مسئله، فصل پنجم، بند ۱۷، (صص ۸۹۲-۸۹۳) و فصل ششم، بندهای ۱ و ۲، (ص ۸۳۹) از کتاب عزرا را بازمی‌خوانیم:

۱۷) پس حال اگر به مَلِک خوش آید در خزانه‌خانه مَلِک که در بابل است تفحص کرده شود که آیا چنین باشد که از کورش مَلِک فرمانی به خصوص بنامودن این خانه خدا در اورشلیم صادر گردیده است و مَلِک، مراد خود را درباره این کار به ما بفرستد.

۱۸) آنگاه داریوش مَلِک فرمان داد که در کتاب‌خانه، جایی که خزینه‌های بابل محفوظ بود تفحص کرده شود. ۱۹) و در احمتا در بارگاه کشور مداین طوماری یافت شد و در آن تذکره [ای] بدین مضمون نوشته بود. ۲۰) در آن سال...

در ترجمه‌ای جدیدتر (کتاب مقدس ترسایان: عزرا، ۲۰۰۳، ص ۲۲) چنین آمده است: ۱۸) آنگاه داریوش پادشاه، دستور داد تا در خانه‌خزانه‌ها، جایی که بایگانی را در بابل آقرار می‌دادند، تحقیقاتی به عمل آورند. ۱۹) و در اکباتان، دژی که در ایالت ماد است، طوماری یافتند که بر آن چنین نوشته شده بود: یادداشت ۵.

۱. در ترجمه‌ای دیگر (کتاب مقدس ترسایان: عزرا، ۲۰۰۲، ص ۲۱) به جای «خزانه‌خانه»، ترکیب «خانه‌خزانه‌ها» آمده و اشاره شده است که «منظور، آن بخش از کاخ سلطنتی است که اشیاء قیمتی و بایگانی پادشاهان نگهداری می‌شد» (کتاب مقدس ترسایان: عزرا، ۲۰۰۲، ص ۲۲، زیرنویس d).
۲. «کلمه «بابل» در معنای کلی، احتمالاً بر تمام سرزمین دلالت دارد» (کتاب مقدس ترسایان: عزرا، ۲۰۰۲، ص ۲۲، زیرنویس f).
۳. «تحت‌اللفظی: «در خانه کتاب‌های خزانه‌های به‌امانت گذاشته شده» (کتاب مقدس ترسایان: عزرا، ۲۰۰۲، ص ۲۲، زیرنویس e).
۴. «تحت‌اللفظی: «احمتا»، یعنی اکباتان یا همان هگمتانه (کتاب مقدس ترسایان: عزرا، ۲۰۰۲، ص ۲۲، زیرنویس g).
۵. «تحت‌اللفظی: «یادگار» یا «یادنامه» که دلالت دارد بر سندی که در بایگانی نگهداری می‌شود» (کتاب مقدس ترسایان: عزرا، ۲۰۰۲، ص ۲۲، زیرنویس h).



در ترجمه‌ای انگلیسی از همین بندها آمده است:

6⁽¹⁾: THEN King Darius made a decree, and they searched the archives where the documents were stored in Babylon. 6⁽²⁾: But it was in Ecbatana, the capital in the province of Media, that a scroll was found on which this was written: "A record". (Holy Bible: NRSV, 2009, p611).

همچنان که مشاهده می‌شود در ترجمه فارسی کتاب عزرا، فصل ششم، بند ۱، عبارت «کتاب‌خانه جایی که خزینه‌های بابل» و در ترجمه‌ای دیگر «خانه‌خزانه‌ها، جایی که بایگانی را در بابل» آمده است؛ در صورتی که در انگلیسی، این عبارت به آرشیو the archives where the documents were stored in Babylon ترجمه شده است. در ترجمه‌های انگلیسی دیگری از همین بند به آرشیو سلطنتی بابل (van Wijk-Bos, 1998, p13, p30)، و حتی آرشیو اکباتان (Blenkinsopp, 2001, p45) اشاره شده است. ترجمه عهد عتیق از همین بند نیز به آرشیو سلطنتی که مدارک^۱ در آن نگهداری می‌شوند، اشاره دارد^۲ (Holy Bible: NRSV, 2009, p611).

استفاده از واژه‌های کتاب‌خانه، آرشیو سلطنتی و خزانه در ترجمه‌های انگلیسی و فارسی کتاب عزرا، ضرورت خوانش متن عبری را پیش آورد.

موضوع را با استاد پروفیسور گوئل کهن در میان گذاشتم و از ایشان درخواست کردم تا موضوع را با متن اصلی عبری مقایسه کنند. نتیجه بررسی مقایسه‌ای فارسی، انگلیسی و عبری نشان داد که در اصل بند به زبان عبری: **בְּבֵית סֵפֶר הַיְיָ אֱלֹהֵינוּ אָמְדָה אֵת:** Search was made in the house of the rolls, where محل طومارهای موجود در آرشیو در گنجینه.

בְּבֵית סֵפֶר הַיְיָ: کتاب‌خانه (یا محل نگهداری طومارها). تورات خطی هنوز هم در کنیسه‌های یهودیان به صورت طومار یا صحیفه یکپارچه به صورت رول در محل یا اتاق ویژه‌ای به عنوان مقدس‌ترین مکان کنیسه نگهداری می‌شود.

در اصل بند به زبان عبری: **בְּבֵית סֵפֶר הַיְיָ אֱלֹהֵינוּ אָמְדָה** به کار رفته است: «در جا یا محلی که خزانه‌ها (گنجینه‌ها) نگهداری می‌شود». پولاسکی (Polaski, 2012, p46, note 27) نیز با استناد به واژه‌های هم‌ریشه با واژه آرامی به کار رفته در کتاب عزرا **בְּבֵית סֵפֶר הַיְיָ אֱלֹהֵינוּ [Dachrannaya]** (فصل ۴، بند ۱۵) و **בְּבֵית סֵפֶר הַיְיָ אֱלֹהֵינוּ [Dichrunna]** (فصل ۶ بند ۲) و با اشاره به فصل ۶، بند ۱ کتاب استر **סֵפֶר הַיְיָ אֱלֹהֵינוּ אָמְדָה**: کتاب ثبت وقایع تاریخ (روزگار)، نتیجه گرفته که این واژه در معنای آرشیو به کار رفته است.

1. documents

۲. کوگان و دیگران در توضیحات بند سه تا پنج این فصل، در زیرنویس (Coogan & other, 2018, p683) به نکته‌ای مهم اشاره کرده‌اند که نسخه یافت شده از فرمان کوروش در قصر احمتا که بر ابعاد و ساخت بنا تأکید دارد، نسخه آرشیوی فرمان بوده است؛ در مقابل نسخه عمومی آن که در بندهای یک تا چهار فصل اول کتاب عزرا به آن اشاره شده است و اذعان دارند که رابطه بین این دو نسخه مشخص نیست.

۳. ترجمه مقایسه‌ای انگلیسی، فارسی و عبری، از پروفیسور گوئل کهن است.



نکته دیگری در بند پانزدهم فصل چهارم کتاب عزرا (ص ۸۹۰)، آمده است که از نظر بررسی آرشو در این دوران اهمیت دارد: «تا آنکه در کتاب تواریخ اجدادت تفتیش کرده شود»^۱...

در ترجمه انگلیسی هم به «سالنامه‌های نیاکان» اشاره شده است:

۴^(۱۵): So that a search may be made in the annals of your ancestors. You will

discover in the annals that this is a rebellious city ... (Holy Bible: NRSV, 2009, p610).

در ترجمه‌ای دیگر (کتاب مقدس ترسیان: عزرا، ۲۰۰۳، ص ۱۹)، عبارت «یادنامه پدرانت» آمده است.

مترجمان فارسی کتاب عزرا (۲۰۰۳، ص ۱۹، زیرنویس x)، با ارجاع به بند ۲۳ فصل دوم و بند نخست فصل ششم کتاب استر، منظور از یادنامه را «گزارش‌های قدیمی درباره دانسته‌اند.

ریپکا (۱۳۸۱، صص ۴۷-۴۸) نیز با اشاره به کتاب استر در این باره نوشته است:

به شهادت کتاب استر در بخش عهد عتیق کتاب مقدس [تورات]، در برابر ایران باستان وقایع نویسی معمول بود.^۲ پادشاه اخشوروش^۳ (خشایارشا؟) چون خوابش نمی‌برد دستور داد برایش کتاب تاریخ (سفر هزیکرونوت^۴) بخوانند. کتاب مقدس این نام را با کلمات دبیره حیامیم^۵ [הַיָּמִים הַהֵלְוִיִּים] که به آن اضافه کرده است «کتاب تذکره تواریخ ایام» معنی می‌کند. اولین تسمیه‌ای که به عمل آمد، به‌طور شگفت‌انگیزی، نام یونانی این گونه نوشته‌ها را در روزگار ساسانیان به‌خاطر می‌آورد که آگاتیاس^۶ آن را خاطرات شاهانه^۷ نامیده است. شاید عنوان قدیمی سالنامه‌های شاهی تا زمان ساسانیان به‌جای مانده بوده است.

ولی منظور از تواریخ اجداد، یادنامه پدران، دبیره حیامیم، تذکره تواریخ ایام، خاطرات شاهانه یا سالنامه‌های شاهی، در تورات/کتاب عزرا و کتاب استر دقیقاً چیست و با کتاب‌خانه و آرشو چه ارتباطی دارد؟

برای پاسخ به این پرسش بهتر است دیگر بار به منبع اصلی مراجعه کنیم. اصل بند ۱۵ از فصل ۴ در کتاب عزرا به زبان عبری چنین است: **וְיִבְקַרְוּ בְסֵפֶר דְּדָבָרַיָּא דִּי אֲבֹתָהֶן**:

that search may be made in the book of the records of your fathers

عبارت **וְיִבְקַרְוּ בְסֵפֶר דְּדָבָרַיָּא** دو بار در این بند آمده است. بار دوم چنین است: **וְיִבְקַרְוּ בְסֵפֶר**

בְּסֵפֶר דְּדָבָרַיָּא אֲבֹתָהֶן:

so you shall find in the book of the records, and learn that

کتاب سوابق یا دفتر کل ثبت موجودی‌ها (یا همان بانک اطلاعاتی امروزی که با

۱. یزدان‌پرست لاریجانی (۱۳۹۰، ص ۹۷) این کتاب‌ها را درآمده بر خدای‌نامه‌ها یا شاهنامه‌های دوران بعد دانسته است.
۲. ریپکا (۱۳۸۱، ص ۴۷، زیرنویس ۵) در این قسمت شواهدی از کتاب استر به این شرح نقل کرده است: «پس این امر را تخلص نموده صحیح یافتند و هر دوی ایشان را بر دار کشیدند و این قصه در حضور پادشاه در کتاب تواریخ ایام مرقوم شد.» (استر، فصل ۲، بند ۲۳)؛ و «در آن شب خواب از پادشاه برفت و امر فرمود کتاب تذکره تواریخ ایام را بیاورند تا آن را در حضور پادشاه بخوانند» (استر، فصل ۶، بند ۱)؛ و نیز: «... آیا در کتاب تواریخ ایام پادشاهان مادی و فارس مکتوب نیست؟» (استر، فصل ۱۰، بند ۲).

3. Achasweros

۴. کتاب خاطرات [یا ثبت وقایع/ رویدادها]: sefer hazzichronot [در واقع سفر هزیکرونوت סֵפֶר הַיָּמִים הַהֵלְוִיִּים] صحیح است] (به‌نقل از پروفسور کهن).
۵. dibre hayyamim به زبان عبری به معنای [بیان] وقایع [روزانه] (هریک از) روزهاست (به‌نقل از ریپکا، ۱۳۸۱، ص ۴۷، زیرنویس ۸).

۶. کمی قبل به‌نقل از ریپکا (۱۳۸۱، ص ۴۷، زیرنویس ۵) به این نکته اشاره شد.

۷. آگاتیاس Agathias ملقب به Scholastikos، شاعر و مورخ یونانی از مردم آسیای صغیر (۵۳۶-۵۸۲م) در جوانی به ادبیات پرداخت و اشعاری عاشقانه (Erotika) سرود؛ سپس، متوجه تاریخ‌نویسی شد. کتاب تاریخش شامل پنج جلد است. مأخذش برای توصیف جنگ‌های ایران وقایع‌نامه‌های ایرانی بوده که سرگیوس مترجم برای او تهیه و ترجمه کرده است. (آخر این بخش «نوشته‌های بازپسین دوران ساسانیان») مأخذ از مقاله «Reitzenstein» در *Paulys Real-Encyclopaedie*، ج ۱/۱، (به‌نقل از ریپکا، ۱۳۸۱، صص ۴۷-۴۸، زیرنویس).

8. basilika apomnemoneumata



استفاده از آن، فرآیند جست‌وجو یا سرچ را انجام می‌دهیم؛ در واقع در متن عبری کتاب عزرا، واژه סֵפֶר: SEFER با تلفظ فونتیکی (séfer)، اسم مذکر به معنی «کتاب» است. واژه دیگری که در این ارتباط در کتاب عزرا آمده است، خزانه است. در بند ۱۷ فصل پنجم در ترجمه فارسی «خزانه پادشاه» و در ترجمه‌های انگلیسی عبارات in the royal archives و in the king's treasure house آمده است. در اصل بند به زبان عبری عبارت «תְּבַקֵּר בְּבֵית הַמֶּלֶךָ» به کار رفته است.^۱

בֵּית: بیت یا بیست در زبان عبری به معنی خانه است. הַמֶּלֶךָ: گینزیا در زبان عبری کلاسیک به معنای خزانه یا گنجینه و آرشیو است. شایان ذکر است که در زبان عبری مدرن از صورت عبری شده واژه فرانسوی آرشیو، یعنی «אַרְכִיב» Arkiv یا «אַרְכִיּוֹן» Arkion نیز استفاده می‌شود.^۲

در قاموس کتاب مقدس (هاکس، ۱۳۹۴، ص ۲۰)، ذیل مدخل احمتا همین واژه به اداره ضبط مراسلات ترجمه شده است. در بند ۲۰ فصل هفتم کتاب عزرا (ص ۱۹۶) آمده است: «و بقیه ضروریات خانه خدایت که بر تو لازم است که بدهی از خزینه خانه ملک بده»؛ و در ترجمه‌ای جدیدتر از این بند (کتاب مقدس ترسایان: عزرا، ۲۰۰۳، ص ۲۶)، آمده است:

و آنچه که باز برای خانه خدایت لازم است و برعهده‌ات می‌باشد که تهیه کنی، آن را به هزینه خزانه سلطنتی تهیه خواهی کرد.

And whatever else is required for the house of your God, which you are responsible for providing, you may provide out of the king's treasury (Holy Bible: NRSV, 2009, p613).

اصل بند به زبان عبری این چنین است: מִן־בֵּית הַמֶּלֶךְ: از خزانه سلطنتی.

۸. قصر احمتا خزانه شاهان هخامنشی یا مادی؟

پیش از این درباره برداشت دیگری که می‌توان از این متن داشت صحبت شده است (عزیزی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۶)؛ ولی لازم است برای تکمیل آن بحث و مقاله حاضر، این موضوع بار دیگر با شواهد و برداشت‌هایی تازه بررسی شود. آنچنان که از کتاب عزرا برمی‌آید، دست‌کم یکی از خزانه‌هایی که در آن اسناد نگهداری می‌شده، در حوزه جغرافیایی ماد قرار داشته است و دست‌کم از زمان کورش هخامنشی فعال بوده است. اطلاعات دیگر نیز بر این موضوع صحه می‌گذارد. برای نمونه آگاهی‌هایی موجود است که در هر سه پایتخت امپراتوری هخامنشی یعنی شوش، بابل و اکباتان، آرشیو سلطنتی وجود داشته است

۱. ترجمه فارسی لغات عبری از پروفیسور گوئل کهن است.
۲. گنج در فارسی و کنز در عربی.
۳. ترجمه مقایسه‌ای انگلیسی، فارسی و عبری از پروفیسور گوئل کهن است.



و می‌دانیم که نویسنده کتاب استر، در آرشیو سلطنتی شوش کار می‌کرده است (Sayce, 1889, p104). هم‌چنین از طریق آگاهی‌هایی که توسط کتزیاس (کتسیاس)^۱، پزشک دربار داریوش دوم و پسر و جانشین او اردشیر دوم (خدادادیان، ۱۳۷۶، ص ۱۴۵)، به دست ما رسیده است می‌دانیم در این آرشیوها اسنادی بر کاغذهای پوستی (پارشمن) وجود داشته است (Sayce, 1889, p104) و اسنادی که در این آرشیوها نگهداری می‌شده از لحاظ موضوعی متنوع بوده است. برای مثال کتزیاس بیان کرده است که نام پادشاهان آشور را از آرشیوهای سلطنتی پارسی به دست آورده است (Fried, 2012, p18).

پس شواهد تاریخی و گواهی‌های عرضه شده فوق از مورخان دوران باستان، بر وجود آرشیو سلطنتی در سرزمین ماد و در شهر هگمتانه در دوران شاهان هخامنشی دلالت دارند؛ ولی این شواهد به تنهایی نمی‌توانند تأییدی بر وجود آن آرشیو در دوران مادها باشند؛ در اینجا ناگزیر باید از شواهد دیگری مدد گرفت.

بر اساس گفته هروودوت (۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۸۰) - که کتابش را در حدود سال ۴۴۰ پیش از میلاد نوشته است - رسم دیوکس/دیاکو (۷۰۱-۶۵۵ ق.م) پادشاه ماد، چنین بود که «خلاصهٔ مراجعات را کتباً برای او به قصر می‌فرستادند و او برای هر کاری که به او مراجعه می‌شد، پس از قضاوت، حکمی صادر می‌کرد و پس می‌فرستاد». پس در سرزمین ماد استفاده از خط و نوشته رواج داشته است؛ ولی این نکته هم بر وجود آرشیو و نگهداری اسناد دلالت ندارد.

دربارهٔ احماتا، اکماتا، آحماتا، اکباتان یا هگمتانه پیش از این صحبت شد. باز هم بنابه گواهی هروودوت (۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۸۷) می‌دانیم یکی از خزانه‌های مهم دوران مادها، خزانه سلطنتی اکباتان بوده است:

وقتی دیوکس... سلطهٔ خود را مستقر یافت، مادها را مجبور کرد شهری واحد برای خود بسازند و تمام کوشش خود را در آن به کار اندازند و دیگر توجهی به دهکده‌های قدیم خود نداشته باشند. چون در این امر نیز مادها از او پیروی کردند، او به ساختن قلعه‌ای وسیع و مستحکم دست زد که حصارهایی متمرکز از داخل گرد آن قرار داشت. این همان قلعه‌ای است که امروز اکباتان نامیده می‌شود.

طرز قرار گرفتن این حصارها طوری بود که هریک از آن‌ها فقط به اندازهٔ دندان‌های خود از حصار مقدم، بلندتر بود. وضع طبیعی این نقطه - که به صورت تپه‌ای مجزا از دیگر قسمت‌هاست - تا اندازه‌ای به پیش‌آمد این وضع کمک کرده است. باین حال، این طرز ساختن حصار تا اندازهٔ زیادی عمداً چنین انجام شده است.

جمعاً تعداد هفت حصار موجود است و کاخ شاهی و خزاین پادشاه در داخل آخرین

1. Ktesias (Ctesias)
۲. خدادادیان، ۱۳۷۶، ص ۱۴۹.



حصار قرار دارد. طول طویل‌ترین این حصارها با طول حصار آتن برابر است. این پنج حصار هریک دندانه‌هایی به رنگ‌های مختلف دارند که چنین است: حصار اول به رنگ سفید، حصار دوم به رنگ سیاه، حصار سوم ارغوانی، حصار چهارم آبی و حصار پنجم سرخ نارنجی‌رنگ؛ و اما دو حصار آخر، یعنی حصار ششم و هفتم یکی نقره‌ای‌فام و دیگری طلایی‌رنگ است.

نوشتار هرودوت هم تأکیدی است بر وجود خزانه پادشاهی ماد در درونی‌ترین قسمت باروها و حصارهای هفت‌گانه؛ بنابراین به نظر می‌رسد می‌توان شروع نگهداری اسناد و مدارک را در محلی معین در ایران، فراتر از دوران هخامنشی و به دوران مادها بازگرداند.

۹. نتیجه‌گیری

باتوجه به نکات مطرح شده به‌طور خلاصه باید خاطر نشان کرد:

«به مفهوم دقیق کلمه»، هر سه مفهوم، یعنی، هم اصطلاح آرشیو (ארכיון, ארכיוב, בית ארכיון)، هم اصطلاح کتاب‌خانه (בית ספר) و هم اصطلاح دفتر کل ثبت اطلاعات (בספר דפדפן)، به‌عنوان شاهی بر وجودشان در ایران باستان، به‌طور مجزا در کتاب عذرا آمده‌اند.

نکته دیگر آنکه تقریباً همه نویسندگان یادشده در آغاز این مقاله، به‌تبعیت از قائم‌مقامی سابقه وجود آرشیو در ایران را به دوره هخامنشی بازگردانده‌اند؛ بدون آنکه برای راستی‌آزمایی نظر او تلاشی بکنند و یا دست‌کم به منبع اصلی (یعنی کتاب عزرا به زبان عبری و حتی به زبان انگلیسی یا فارسی محدودی که وجود دارد) مراجعه کنند! دیگر آنکه تقریباً هیچ‌یک از این افراد به منبعی غیر از کتاب مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی یا ارجاعات منتج از آن مراجعه نکرده‌اند و یا دست‌کم ارجاعی مستقیم یا دقیق به منبعی دیگر نداده‌اند. باتوجه به آن که اغلب این افراد، در رشته‌ای غیر از تاریخ تحصیل کرده‌اند، آیا می‌توان نتیجه گرفت که ناآشنایی با روش تحقیق در تاریخ (به‌ویژه نقد درونی و بیرونی رویدادها) در کاستی‌های مطرح شده، دخیل بوده است؟

پژوهش آتی

آنچه گفته شد با تکیه بر منابع نوشتاری تاریخی درباره وجود آرشیو در دوران هخامنشی است که تداومی از دوران ماد بوده است. شواهدی باستان‌شناختی مانند کشفیات هفت‌تپه و تل ملیان از نگهداری اسناد نزد عیلامیان -پیش از تثبیت حکومت مادها- نیز موجود است که خود می‌تواند موضوع پژوهش‌های بعدی درباره تعیین محل‌های نگهداری، تشریح موضوع

۱. پیش‌ازاین، عزیزی (۱۳۸۶، ص ۱۰۶) هم با دلایل و شواهدی کمتر این را حدس زده بود.
۲. با بانک اطلاعاتی به‌مفهوم کنونی.



اسناد و مدارک، و شواهد تاریخی دال بر نگهداری اسناد و مدارک در سرزمین ایران باشد.

تشکر

از زحمات استاد فروتن جناب آقای پروفیسور گوئل کهن، تشکر و قدردانی می‌کنیم.

منبع

کتاب

- پیرنیا (مشیرالدوله)، حسن. (۱۳۷۵). *ایران باستان یا تاریخ مفصل ایران قدیم*. (ج ۱ و ۲). تهران: دنیای کتاب.
- خدادادیان، اردشیر. (۱۳۷۶). *آریایی‌ها و مادها*. تهران: اصالت تنشیر.
- دیانی، محمدحسین. (۱۳۷۷). *مقدمه‌ای بر آرشو*. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- ریپکا، یان. (۱۳۸۱). *تاریخ ادبیات ایران: از دوران باستان تا قاجاریه*. (عیسی شهبابی، مترجم). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۸۳). *کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران*. (سیدمهدی تقوی، ناظر). تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران با همکاری انتشارات تماشاگران و مؤسسه فرهنگی هنری عصر توسعه دانش، صص ۱۴-۱۵ و ۱۶-۱۷.
- سازمان امور اداری و استخدامی. (۱۳۶۳). *لزوم و اهمیت آرشو ملی و مرکز بایگانی راکد کشور*. تهران: سازمان اسناد ملی ایران (تکثیر مجدد).
- عزیزی، یوسف. (۱۳۸۰). *داستان پیامبران یا قصه‌های قرآن از آدم تا خاتم*. تهران: انتشارات هاد.
- فدائی عراقی، غلامرضا. (۱۳۷۷). *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد آرشویی*. تهران: سمت.
- قائم‌مقامی، جهانگیر. (۱۳۵۰). *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی*. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- کتاب مقدس. (۱۳۸۰). *کتاب مقدس، عهد عتیق و عهد جدید*. (فاضل خان همدانی، ویلیام گلن، هنری مرتن، مترجمان). تهران: اساطیر، ۱۳۸۰، جلد ۲ در یک مجلد.
- کتاب مقدس. (۲۰۰۳). *کتاب مقدس ترسایان (ترجمه خاص): عزرا*. (مقدمه و توضیحات طبق ترجمه بین‌الکلیسایی کتاب مقدس؛ سطح عالی). بی‌جا: بی‌نا. عنوان انگلیسی: TARSAYAN BIBLE (Literal Persian Translation). Introduction, notes & margin: TOB. (2003).
- لوی، حبیب. (۱۳۳۴). *تاریخ یهود ایران*. (ج ۱). تهران: کتاب‌فروشی یهودا بروخیم.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. (ج ۷). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ملایری، محمدمهدی. (۱۳۷۹). *تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی*. (جلد ۶). تهران: توس.



هاکس، جیمز. (۱۳۹۴). *قاموس کتاب مقدس*. (چ ۴). تهران: انتشارات اساطیر.
هرودوت. (۱۳۸۲). *تاریخ هردوت*. (ج ۱). (چ ۲). (هادی هدایتی، مترجم و حاشیه‌نویس). تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
هیل، توماس؛ تورسون، استیفان. (۲۰۰۷). *تفسیر کاربردی عهد قدیم*. (داود کاظمیان، مترجم). ناشر: David C. Cook، محل نشر: Colorado Springs, U.S.A.
یزدان‌پرست لاریجانی، محمدحمید. (۱۳۹۰). *ایران و ایرانیان در متون مقدس: اوستا، تورات، انجیل، قرآن و حدیث*. تهران: اطلاعات.

مقاله

بادامچی، حسین؛ فروتن، کیان. (۱۳۹۴). «مسأله اعتبار فرمان‌های آرامی شاهان هخامنشی در کتاب عزرا». *مطالعات تاریخ فرهنگی: پژوهش‌نامه انجمن ایرانی تاریخ*، سال ششم، شماره ۲۳، بهار، صص ۱-۱۸.
بادامچی، حسین؛ نوروزی، ایمان. (۱۳۹۱). «تحلیل روایت یهودیان از بازسازی معبد یهودیه در عهد هخامنشیان». *مطالعات تاریخ فرهنگی: پژوهش‌نامه انجمن ایرانی تاریخ*، سال سوم، شماره ۱۱، بهار، صص ۱۳-۳۲.
بقائی، محمد. (۱۳۸۱). «نگاهی به آرشیو و عملکرد آن در ایران». *کتاب ماه کلیات*، شماره ۵۸-۵۹ (مهر و آبان ۱۳۸۱)، صص ۲۸-۳۵.
تازکی، محمدرضا. (۱۳۸۴). «آرشیو، تاریخ و جایگاه آن در ایران». *روزنامه قدس*، (۹ مهر ۱۳۸۴)، ص ۱۴.
دهقانی، موسی‌رضا. (۱۳۷۹). «تاریخچه آرشیو در ایران». گزارش چاپ‌نشده سازمان اسناد ملی ایران، صص ۱۲-۱۳.
رحمانی، عنایت‌الله. (۱۳۸۴). «تاریخچه آرشیو در ایران». *فصل‌نامه یاد*، شماره ۷۷، ص ۵۳.
سازمان اسناد ملی ایران. (۱۳۷۴). «آشنایی با سازمان اسناد ملی ایران». *فصل‌نامه گنجینه اسناد*، سال پنجم، (بهار و تابستان)، ص ۱۰.
سودبخش، لیل؛ مروتی، مرضیه. (۱۳۸۸). «آرشیو و آرشیویست در منابع مرجع». *دز: آرشیو، کتاب‌خانه و موزه: وجوه اشتراک و افتراق*. (دکتر سعید رضایی شریف‌آبادی و نگین نکومنظری، کوشش‌گران). تهران: کتابدار. صص ۵۳-۶۶.
صادق‌پور بالانی، فاطمه. (۱۳۸۵). «تاریخچه آرشیو در ایران». *پیام بهارستان*، شماره ۵۸، صص ۶-۱۱.
صادقیان، نادعلی. (۱۳۸۴). «مرکز بایگانی راکد کل کشور، شمعی ناپایدار در تشکیلات اداری ایران». *فصل‌نامه گنجینه اسناد*، سال ۱۵، دفتر ۴، شماره پیاپی ۶۰ (زمستان)، صص ۹۵-۹۶.
صمیعی، میترا. (۱۳۸۱). «آرشیو». *دز: دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی*. (ج ۱). (عباس حری، ویراستار). تهران: سازمان اسناد و کتاب‌خانه ملی ایران، ص ۱۹.



- عزیزی، غلامرضا. (۱۳۸۶). «نمونه‌هایی از سرگذشت آرشیو در ایران». *گنجینه اسناد*، شماره ۶۵، بهار، صص ۱۰۵-۱۲۰.
- غلامی جلیسه، مجید. (۲۰۱۲). «ترجمه‌های چاپی کتاب مقدس به زبان فارسی تا قرن بیستم میلادی». *ایران‌نامه*، سال ۲۷، شماره ۴، صص ۶۲-۷۷.
- فتح‌اله‌زاده، فرحناز. (۱۳۹۳). «رویکردی جدید به ضرورت تدوین نظام ملی آرشیوی در کشور». در: *مدیریت آرشیو و اسناد، جلد اول: مجموعه مقالات دومین همایش ملی آرشیوی (آرشیو برای همه)*. (ندا رسولی، کوشش گر). تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. صص ۱۴۷-۱۶۸.
- کیانی هفت‌لنگ، کیانوش. (۱۳۸۳). «تاریخچه آرشیو در ایران». *عصر اقتصاد*، ۱۱۷ اردیبهشت ۱۳۸۳.
- کیانی هفت‌لنگ، کیانوش. (۱۳۸۵). «سازمان اسناد ملی ایران». در: *دائرة المعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی*. (ج ۲). (فریبرز خسروی، ناظر؛ ابراهیم افشار، سرویراستار؛ با همکاری سودابه نوذری). تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، صص ۹۹۰-۹۹۲.
- نوروزی، حامد. (۱۳۹۱). «معرفی و بررسی برخی ویژگی‌های اسفار خمسه لندن (PL): قدیمی‌ترین ترجمه تاریخ‌دار تورات به خط فارسی-عبری». *پژوهش‌های ایران‌شناسی*. س ۲، ش ۲، صص ۱۰۵-۱۲۳.
- وهابی، فتانه. (۱۳۹۳). «آرشیو در ایران (بررسی تاریخچه‌ای)». در: *آرشیو و آرشیواری: مجموعه مقاله‌های نخستین همایش ملی آرشیوی (آرشیو برای همه)*. (غلامرضا عزیزی، کوشش گر). تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. صص ۲۶۹-۲۹۰.

پایان‌نامه

- ترکشوند، فتانه. (۱۳۹۴). «ارائه الگوی پیشنهادی برای تدوین اصطلاح‌نامه آرشیو ملی ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی، گرایش اطلاع‌رسانی. استاد راهنما: دکتر فریبرز خسروی. استاد مشاور: دکتر فهیمه باب‌الحوائجی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی.
- دالوند، معصومه. (۱۳۸۷). «بررسی ویژگی محتوایی وبسایت‌های آرشیوهای ملی جهان و نظرات صاحب‌نظران آرشیو در ایران به منظور ارائه الگوی بهینه وبسایت آرشیو ملی جمهوری اسلامی ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشگاه شهید چمران، اهواز. استاد راهنما: دکتر عبدالحسین فرج‌پهلوی؛ اساتید مشاور: دکتر سعیدرضایی شریف‌آبادی و دکتر عبدالحمید معرف‌زاده. زارعی، مریم. (۱۳۹۶). «امکان‌سنجی ایجاد آرشیو در دفتر بررسی سوانح و حوادث سازمان هواپیمایی کشوری». استاد راهنما: دکتر معصومه کربلا آقائی کامران. استاد مشاور: دکتر سعید رضایی شریف‌آبادی. گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی. پایان‌نامه برای اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته مطالعات آرشیوی. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهرا (س).



صوفی، ژاله. (۱۳۶۶). «تاریخچه، اهداف، وظایف و تشکیلات سازمان اسناد ملی ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران. استاد راهنما: ماندانا صدیق بهزادی.

منابع لاتین

- Blenkinsopp, Joseph. (2001). "Was the Pentateuch the Civic and Religious Constitution of the Jewish Ethnos in the Persian Period?" *In: Persia and Torah: The Theory of Imperial Authorization of the Pentateuch*. (James W. Watts, Editor). Atlanta: Society of Biblical Literature.
- Coogan, Michael David; Marc Zvi Brettler, Carol A. Newsom & Pheme Perkins. (2018). *The New Oxford Annotated Bible: New Revised Standard Version- An Ecumenical Study Bible*. Oxford University Press; Fully revised fifth edition.
- Fensham, F.(Frank) Charles. (1982). *The books of Ezra and Nehemiah*. Grand Rapids, Mich.: Eerdmans.
- Fried, Lisbeth s. (2012). "Ezra's Use of Documents in the Context of Hellenistic Rules of Rhetoric". In: *New perspectives on Ezra-Nehemiah: history and historiography, text, literature, and interpretation*. (Kalimi, Isaac, editor). Winona Lake, Indiana Eisenbrauns.
- Grabbe, Lester L. (1998). *Ezra-Nehemiah*. Routledge: London and New York. (Taylor & Francis e-Library, 2005. e-book ISBN 0-203-98155-3).
- Grabbe, Lester L. (2006). "The "Persian Documents" in the Book of Ezra: Are They Authentic?". In: *Judah and the Judeans in the Persian period*. (Oded Lipschits and Manfred Oeming, editors). Winona Lake, Indiana, Eisenbrauns. PP 531-570.
- Graham, M. Patrick. (1998). "The "Chronicler's History" (Ezra, Nehemiah, Chronicles)". In: *The Hebrew Bible today: an introduction to critical issues*. (Steven L. McKenzie and M. Patrick Graham, editors). (pp 201-216).
- Holy Bible: NRSV* (New Revised Standard Version). (2009). by Harper Bibles, Harper One; Catholic edition (2009-11-20). ASIN: B019TLAI52.
- Kent, Roland G. (Grubb). (1950). *Old Persian: grammar, texts, lexicon*. American oriental society, New Haven.
- Lipschits, Oded and Manfred Oeming. eds. (2006). *Judah and the Judeans in the*



- Persian Period*. Winona Lake, Indiana, Eisenbrauns.
- Pedersen, Olof. (1998). *Archives and libraries in the ancient Near East, 1500-300 B.C.* CDL Press, Bethesda, Maryland.
- Polaski, don. (2012). "Nehemiah: Subject of the Empire, Subject of Writing". In: *New perspectives on Ezra-Nehemiah: history and historiography, text, literature, and interpretation*. (Kalimi, Isaac, editor). Winona Lake, Indiana Eisenbrauns.
- Sayce, Archibald Henry. (1889). *An Introduction to The Books of Ezra, Nehemiah & Esther*. London: The Religious Tract Society.
- Throntveit, Mark A. (1992). *Ezra-Nehemiah: Interpretation: a Bible commentary for teaching and preaching*. John Knox Press, Louisville, Kentucky.
- Van Wijk-Bos, Johanna W. H. (1998). *Ezra, Nehemiah, and Esther*. Westminster John Knox Press, Louisville, Kentucky.
- Watts, James W. Editor. (2001). *Persia and Torah: The Theory of Imperial Authorization of the Pentateuch*. Atlanta: Society of Biblical Literature.

منابع اینترنتی

- قاموس الكتاب المقدس؛ دائرة المعارف الكتابية المسيحية. شرح كلمة أَحْمَتًا | أحمتا. في:
https://st-takla.org/Full-Free-Coptic-Books/FreeCopticBooks-002-Holy-Arabic-Bible-Dictionary/01_A/A_109.html
- فكري، انطونيوس. تفسير الكتاب المقدس العهد القديم سفر عزرا السادس. في:
<https://www.coptstoday.com/Archive/Detail.php?Id=544>

English Translation of References

Books

- Azizi, Yousof. (1380/2001). "*Dāstān-e payāmbārān yā qesse-hā-ye Qor'ān az Ādam tāXātam*" (Stories from Quran). Tehran: Enteshārāt-e Hād.[Persian]
- Coogan, Michael David; Marc Zvi Brettler; Carol A. Newsom;&Pheme Perkins. (2018). *The new Oxford annotated Bible: New revised standard version- an ecumenical study Bible*. Oxford University Press; Fully revised fifth edition.
- Dayyani, Mohammad Hossein. (1377/1998). "*Moqaddame-ee bar ārshiv*" (Introduc-



- tion to archive). Mashhad: Dānešgāh-e Ferdowsi-ye Mašhhd (Ferdowsi University Mashhad).[Persian]
- FadaeiAraghi, Gholamreza. (1377/1998). *“Moqaddame-ee bar šenāxt-e asnād-e āršivi”* (An introduction to archival documents). Tehran: SAMT(Sāzmān-e Motāleʿe va Tadvin-e Kotob-e ‘Olum-e Ensāni-ye Danešgāh-hā) (The Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities). [Persian].
- GhaemMaghami, Jahangir. (1350/1971). *“Moqaddame-ee bar šenāxt-e asnād-e tārixi”* (An introduction to historical documents). Tehran: Enteshārāt-e Anjoman-e Āsār-e Melli (Publications of the Society for the Protection of National Monuments).[Persian]
- Hale, Thomas; & Thorson, Stephan. (2007). *“Tafsir-e kārbordi-ye ahd-e qadim”* (The applied oldtestament commentary). Translated by Davoud Kazemian. USA, Colorado Springs: David C. Cook.[Persian]
- Herodotus. (1382/2003). *“Tārix-e Herodot”* (Histoires d’ Herodote) [History of Herodotus] (vol. 1) (2nd ed.). Translated and annotated by Hadi Hedayati. Tehran: Moʼassese-ye Enteshārāt va Čāp-e Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran Press) (UTP).[Persian]
- Hawkes, James W. (1394/2015). *“Qāmus-e ketāb-e moqaddas”* (Persian Bible dictionary) (4th ed.). Tehran: Enteshārāt-e Asātir.[Persian]
- Holy Bible:** NRSV (New Revised Standard Version). (2009). by Harper Bibles, Harper One; Catholic edition (2009-11-20). ASIN: B019TLAI52.
- Kent, Roland G. (Grubb). (1950). *Old Persian: Grammar, texts, lexicon*. American oriental society, New Haven.
- “Ketāb-e Moqaddas” (Holy Book). (1380/2001). *“Ketāb-e moqaddas, ahd-e atiq va ahd-e jadid”* (The new testament of our lord and saviour Jesus Christ) (2 volumes in one book). Translated by Fazel Khan Hamedani, William H. Glenn, & Henry Merton. Tehran: Asātir.[Persian]
- “Ketāb-e Moqaddas” (Holy Book). (2003). *“Ketāb-e moqaddas-e tarsāyān (tarjome-ye xās): Azrā”* (Tarsayan Bible (Literal Persian Translation)) [Introduction, notes



- & margin are according to the inter-church translation of the Bible; excellent level]. [n. p.]: n. p.[Persian]
- Khodadadian, Areshir. (1376/1997). "*Āriā-yi-hā va Mād-hā*" (Aryans and Medes). Tehran: Esālat-e Tanšir.[Persian]
- Levy, Habib. (1339/1960). "*Tārix-e yahud-e Irān*" (The comprehensive history of the Jews of Iran) (vol. 1). Tehran: Ketāb-foruši-ye YahudāBeroxim (YahudaBerokhim Bookstore). [Persian]
- Lipschits, Oded and Manfred Oeming. eds. (2006). *Judah and the Judeans in the Persian period*. Winona Lake, Indiana, Eisenbrauns.
- MakaremShirazi, Naser. (1374/1995). "*Tafsir-e nemouneh*" (A commentary on the holy Quran) (vol. 7). Tehran: Dārol-Kotobol-Eslāmieh.[Persian]
- Malayeri, Mohammad Mehdi. (1379/2000). "*Tārix va farhang-e Irān dar dōwṛān-e enteḡāl az asr-e Sāsāni be asr-e Eslāmi*" (Iranian history civilization and culture) (6 volumes). Tehran: Tus.[Persian]
- Pedersen, Olof. (1998). *Archives and libraries in the ancient Near East, 1500-300 B.C.* CDL Press, Bethesda, Maryland.
- Pirmia (Moshir Al-Dowleh), Hassan. (1375/1996). "*Irān-e bāstān yā tārix-e mofassal-e Irān-e qadīm*" (The ancient Iran) (vol. 1 & 2). Tehran: Donyā-ye Ketāb.[Persian]
- Rypka, Jan. (1381/2002). "*Tārix-e adabiāt-e Irān: Az dōwṛān-e bāstān tā Qājārieh*" (Dejiny Perske a Tadzickeliteratury) [History of Iranian Literature]. Translated by Isa Shahabi. Tehran: Enteshārāt-e 'Elmi va Farhangi (ElmiFarhangi Publishing Co.).[Persian]
- Sayce, Archibald Henry. (1889). *An introduction to The Books of Ezra, Nehemiah & Esther*. London: The Religious Tract Society.
- Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Jomhuri-ye Eslāmi-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives of Iran). (1383/2004). "*Ketāb-e Ketābxāne-ye Melli-ye Jomhuri-ye Eslāmi-ye Irān*" (National library of Islamic Republic of Iran) (pp. 14-15 & 16-17). Supervised by Seyyed Mehdi Taghavi. Tehran: Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Jomhuri-ye Eslāmi-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives of Iran)in partnership with Enteshārāt-e Tamāšāgarān va

Mo'assese-ye Farhangi Honari-ye Asr-e Towsēe-ye Dāneš.[Persian]

Sāzmān-e Omur-e Edāri va Estexdāmi (State Administrative and Recruitment Organization). (1363/1984). *“Lozumvaahammīat-e āršiv-e mellivamarkaz-e bāygāni-ye rāked-e kešvar”* (Necessity and importance of the National Archive and the Inactive Archives Center of the country). Tehran: Sāzmān-e Asnād-e Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives of Iran) (Reproduction).[Persian]

Throntveit, Mark A. (1992). *Ezra-Nehemiah: Interpretation: A Bible commentary for teaching and preaching*. John Knox Press, Louisville, Kentucky.

Van Wijk-Bos, Johanna W. H. (1998). *Ezra, Nehemiah, and Esther*. Westminster John Knox Press, Louisville, Kentucky.

Watts, James W. (Editor). (2001). *Persia and Torah: The theory of imperial authorization of the Pentateuch*. Atlanta: Society of Biblical Literature.

YazdanparastLarijani, Mohammad Hamid. (1390/2011). *“Irān va Irāniān dar motun-e moqaddas: Avestā, Towrāt, Enjil, Qor'ān va hadīs”* (Iran and Iranian in sacred scriptures: Avesta, the old and new testament, the Quran and hadith). Tehran: Ettelā'āt.[Persian]

Articles

Azizi, Gholamreza. (1386/2007). “Nā-nemude-hā-yi az sargozašt-e āršiv dar Irān” (Little-known facts about the establishment of archives in Iran). *Ganjine-ye Asnād*, 65, Spring, pp. 105-120.[Persian]

Badamchi, Hossein;& Forootan, Kian. (1394/2015). “Mas'ale-ye e'tebār-e farmān-hā-ye Ārāmi-ye šāhān-e Haxāmaneši dar ketāb-e Azrā” (The issue of Achaemenidkings' Aramaic mandates' credibility in the book of Ezra). *Motāle'āt-e Tārix-e Farhangi; Pažuheš-nāme-ye Anjoman-e Irāni-ye Tārix* (Cultural History Studies), 6 (23), pp. 1-18.[Persian]

Badamchi, Hossein & Nowrouzi, Iman. (1391/2012). “Tahlil-e ravāyat-e Yahudiān az bāzsāzi-ye ma'bad-e Yahoudieh dar ahd-e Haxāmanešiān” (Analysis of Jews' narration on the reconstruction of the Jewish temple in the Achaemenid era). *Motāle'āt-e Tārix-e Farhangi; Pažuheš-nāme-ye Anjoman-e Irāni-ye Tārix*



- (Cultural History Studies), 3 (11), pp. 13-32.[Persian]
- Baghaei, Mohammad. (1381/2002). "Negāhi be āršiv va amalkard-e ān dar Irān" (A look at the archive and its functioning in Iran). *Ketāb-e Māh-e Kollīāt*, 58-59 (Mehr & Ābān 1381 / October & November), pp. 28-35.[Persian]
- Blenkingsopp, Joseph. (2001). "Was the Pentateuch the civic and religious constitution of the Jewish Ethnos in the Persian period?". In: *Persia and Torah: The theory of imperial authorization of the Pentateuch*. (James W. Watts, Editor). Atlanta: Society of Biblical Literature.
- Dehghani, Mousa Reza. (1379/2000). "Tārix-če-ye āršiv dar Irān" (History of archives in Iran). Unpublished report by *Sāzmān-e Asnād-e Melli-ye Irān (Sākmā)* (National Library and Archives of Iran), pp. 12-13.[Persian]
- Fathollahzadeh, Farahnaz. (1393/2014). "Ruykardi jadid be zarurat-e tadvin-e nezām-e melli-ye āršivi dar kešvar" (A new approach to the need to develop a national archival system in the country). In Neda Rasouli (Ed.), *Modiriat-e āršiv va asnād, jeld-e avval: Majmou'emaqālāt-e dovomin hamāyesh-e melli-ye āršivi (āršiv barāye hameh)*" (Archive and Document Management, Volume I: Proceedings of the Second National Archival Conference (archive for all)) (pp.147-168). Tehran: Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives of Iran).[Persian]
- Gholami Jaliseh, Majid. (2012). "Tarjome-hā-ye čāpi-ye ketāb-e moqaddas be zabān-e Fārsi tāqarn-e bistom-e milādi" (Printed translations of the Bible into Persian up to the twentieth century). *Irān-nāmeḥ*, 27 (4), pp. 62-77.[Persian]
- KianiHaftlang, Kianoush. (1383/2004). "Tārix-če-ye āršiv dar Irān" (History of archives in Iran). *Asr-e Eqtesād*, 17 Ordibehešt 1383 / 6 May 2004.[Persian]
- KianiHaftlang, Kianoush. (1385/2006). "Sāzmān-e asnād-e melli-ye Irān" (National Library and Archives of Iran). In Ebrahim Afshar (Ed.), *Dāyera-tol-ma'āref-e ketābdāri va ettelā-resāni*" (Encyclopedia of library and information science) (vol. 2) (pp. 990-992). Supervised by Fariborz Khosravi. In partnership with Soudabeh Nowzari. Tehran: Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives Organization of Iran).[Persian]



- Nowrouzi, Hamed. (1391/2012). "Mo'arrefi va barresi-ye barxi vižegi-hā-ye asfār-e xamse-ye Landan (PL): Qadimi-tarintarjome-ye tārix-dār-e Towrāt be xat-e Fārsi-Ebri" (Introductory analysis of some features of London's Pentateuch (PL): The oldest dated translation of Torah in Persian-Hebrew script). *Pažuheš-hā-ye Irān-šenāsī* (Journal of Iranian Studies), 2 (2), pp. 105-123. [Persian]
- Polaski, don. (2012). "Nehemiah: Subject of the empire, subject of writing". In: *New perspectives on Ezra-Nehemiah: History and historiography, text, literature, and interpretation*. (Kalimi, Isaac, editor). Winona Lake, Indiana Eisenbrauns.
- Rahmani, Enayatollah. (1384/2005). "Tārix-če-ye āršivdar Irān" (History of archives in Iran). *Fasl-nāme-ye Yād*, 77, p. 53. [Persian]
- Sadeghian, Nadali. (1384/2006). "Markaz-e bāygāni-ye rāked-e koll-e kešvar, šam'-eenāpāydār dar taškilāt-e edāri-ye Irān" (Inactive archives center, unstable candle in Iran administrative organization). *Ganjine-ye Asnād*, year 15, issue number 4, serial number 60 (Zemestān / Winter), pp. 95-96. [Persian]
- SadeghpourBalani, Fatemeh. (1385/2006). "Tārix-če-ye āršiv dar Irān" (History of archives in Iran). *Payām-e Bahārestān*, 58, pp. 6-11. [Persian]
- Samiei Mitra. (1381/2002). "Āršiv" (Archive). In Abbas Horri (Ed.), *"Dāyera-tolma'āref-e ketābdāri va ettelā'-resāni"* (Encyclopedia of library and information science) (vol. 1) (p. 19). Tehran: Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives of Iran). [Persian]
- Sāzmān-e Asnād-e Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives of Iran). (1374/1995). "Āšnāyi bā Sāzmān-e Asnād-e Melli-ye Irān" (Introduction to the National Archives Organization of Iran). *Ganjine-ye Asnād*, 5 (Bahār&Tābestān / Spring & Summer), p. 10. [Persian]
- Soudbakhsh, Leila & Morevvati, Marzieh. (1388/2009). "Āršiv va āršivist dar manābe'-e marja'" (Archives and archivists in reference sources). In Saeed RezaeiSharifabadi & NeginNekumanzari (Eds.), *"Āršiv, ketābxāneh va muzeh: Vojuh-e ešterāk va ešterāq"* (Archives, libraries and museums: Aspects of commonality and differentiation) (pp. 53-66). Tehran: Ketābdār. [Persian]
- Tazoki, Mohammadreza. (1384/2005). "Āršiv, tārix va jāygāh-e ān dar Irān" (Archive,



its history and place in Iran). *Ruznāme-ye Qods*, (9 Mehr 1384 / 30 September 2005), p. 14.[Persian]

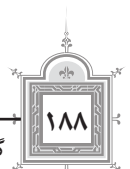
Vahhabi, Fattaneh. (1393/2014). "Āršiv dar Irān: Barresi-ye tārix-če-ei" (Archives in Iran: Historical review). In Gholamreza Azizi (Ed.), "*Āršiv va āršiv-dāri: Majmou'emaqāe-hā-ye noxoštīn hamāyeš-e melli-ye āršivi (āršiv barāye hameh)*" (Archives and archiving: Proceedings of the first national archival conference (archive for all) (pp. 269-290). Tehran: Sāzmān-e Asnād va Ketābkhāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā) (National Library and Archives of Iran).[Persian]

Dissertations

Dalvand, Ma'soumeh. (1387/2008). "*Barresi-ye vižegi-ye mohtavāyi-ye websāyt-hā-ye āršiv-hā-ye melli-ye jahān va nazarāt-e sāheb-nazarān-e āršiv dar Irān be manzur-e erāe-ye olgu-ye behine-ye websāyt-e āršiv-e melli-ye Jomhuri-ye Eslāmi-ye Irān*" (Investigating the content of the websites of the National Archives in the world and the opinions of archival experts in Iran in order to provide an optimal model of the website for the National Archives of the Islamic Republic of Iran)[Masters' thesis in Library and information science]. Supervised by Dr. Abdolhossein FarajPahlou. Advised by Dr. Saeed Rezaei Sharifabadi & Dr. Abd Al-Hamid Mo'arrefzadeh. Dānešgāh-e Šahid Čamrān-e Ahvāz (Shahid Chamran University of Ahvaz). [Persian]

Soufi, Zhaleh. (1366/1987). "*Tārix-če, ahdāf, va zāyef va taškīlāt-e Sāzmān-e Asnād-e Melli-ye Irān*" (History, goals, duties and organization of the National Archives of Iran) [Masters' thesis]. Supervised by Mandana SedighBehzadi. Tehran: Dānešgāh-e Tehrān (University of Tehran).[Persian]

Torkashvand, Fattaneh. (1394/2015). "*Erāe-ye olgu-ye pišnahādi barāye tadvin-e estelāh-nāme-ye āršiv-e melli-ye Irān*" (Providing a proposed model for compiling the terminology of the National Archives of Iran) [Masters' thesis in Information science and knowledge management]. Supervised by Dr. Fariborz Khosravi. Advised by Dr. Fahimeh Bab Al-Havaeji. Tehran: "Dānešgāh-e Āzād-e Eslāmi" (Islamic Azad University), "Vāhed-e 'OlumTahqiqāt" (Science and Research



Branch), Faculty of Humanities and Social Sciences, Department of Information Science and Knowledge Management. [Persian]

Zareei, Maryam. (1396/2017). “*Emkān-sanji-ye ijād-e āršiv dar dafter-e barresi-ye savāneh va havādes-e sāzmān-e ha vā peymāyi-ye kešvari*” (Setting up an archive for the Iranian Civil Aviation Office of Air Accidents: A feasibility study) [Master's thesis in Archival studies]. Supervised by Dr. Ma'soumeh Karbala Aghaei Kamran. Advised by Dr. Saeed Rezaei Sharifabadi. Tehran: “Dānešgāh-e Az-Zahrā” (Alzahra University), Faculty of Psychology and Education, Department of Information Science and Knowledge Studies. [Persian]

Online sources

Fekri, Antonius. “Tafsirol-ketāb el-moqaddas el-ahd el-qadimsafar-o Azrā as-sādes” (). Retrieved from https://st-takla.org/Full-Free-Coptic-Books/FreeCopticBooks-002-Holy-Arabic-Bible-Dictionary/01_A/A_109.html.

“Qāmusol-ketāb el-moqaddas; Dāera-tol-mā'ārefol-ketābia-tol-masihiah”(). “Šarh-e kalame-ye Ahmathā | Ahmatā” (Dictionary of the holy book; Encyclopedia of Christian Biblical Knowledge. Explanation of the word Achmethā|Achmetā). Retrieved from <https://www.coptstoday.com/Archive/Detail.php?Id=544>.

